

# دنیای رنگین کمان کودک

اکرم کشایی



نام کتاب: من یا عروسک من  
نویسنده: اسدالله شعبانی  
تصویرگر: مرضیه صادقی  
ناشر: مدرسه  
نوبت چاپ: نخست ۱۳۸۸  
شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه  
شمار صفحه‌ها: ۲۴ صفحه  
قیمت: ۱۸۰۰ تومان

«خرمن شعر خردسال» قرار می‌گیرند: «من و اندام من، میهن ما ایران، طبیعت و گل و گیاه، رنگ‌ها، مکان‌ها، جشن و مناسبت و خانواده»، جدا از موضوع‌ها، هر ۱۰ شعر کتاب از «خرمن شعر خردسال» انتخاب شده‌اند!!

در این نوشته با تکیه بر گفته‌های آقای شعبانی در «خرمن شعر خردسال»، به بررسی زبان شاعرانه و زیبایی‌شناسی آثار و شیوه‌ی پیام‌رسانی غیر مستقیم آن‌ها در کتاب «من یا عروسک من» می‌پردازیم.

شاعر در این کتاب تلاش می‌کند گاهی از طریق توصیف طبیعت و زیبایی‌های آن، ذوق هنری مخاطبش را پرورش دهد و با ابزار کلمه و تخیل، دنیای زیبایی را برای او نقاشی کند و از طرف دیگر، جایی هم برای آموزش باز می‌کند؛ چرا که مخاطب او آماده‌ی تجربه کردن، شنیدن، دانستن و یادگیری است. یکی از ویژگی‌های بارز مجموعه، سادگی در زبان و تخیل است. شاعر با در نظر گرفتن گروه سنی مخاطب «الف و ب»، حرکت و رنگ و موسیقی را که شاخصه‌ی دنیای کودکان هستند، وارد فضای اشعار می‌کند و از تراجم تصاویر، انتزاع و پیچیدگی در آن‌ها می‌پرهیزد.

اسدا... شعبانی در کتاب «خرمن شعر خردسال» که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است، به ۲۹ موضوع کلان آموزشی (مربوط به دوره‌ی پیش‌دبستانی) می‌پردازد و اشعاری را که عمدتاً منتخب اشعار خود او هستند، در این ۲۹ موضوع طبقه‌بندی می‌کند. او در مقدمه‌ی کتابش می‌گوید: «در گزینش شعرهای این مجموعه، نکته‌ی مهم این است که نخست به شعریت شعرها، یعنی به زبان شاعرانه و زیبایی‌شناسی ادبی آن‌ها توجه داشته‌ام، سپس تناسب‌شان را با آموزش‌های رایج در مراکز پیش از دبستان مد نظر گرفته و بر همان اساس نیز تنظیم کرده‌ام.<sup>۱</sup>» او معتقد است که شاعرانگی شعرها نباید تحت‌الشعاع موضوع آموزشی آنان قرار بگیرد و می‌گوید: «اصولاً وقتی شعری را برای کودکان می‌خوانیم، اگر آنان متوجه شوند که ما با خواندن این شعر قصد داریم چیزی را یادشان بدهیم، باید گفت که آن نوشته نمی‌تواند شعر باشد و اگر چیزی از شعر را هم با خود داشته باشد، باید گفت که: شعر ضعیفی است.»

با این مقدمه به سراغ کتاب «من یا عروسک» می‌رویم که سال گذشته از ایشان به چاپ رسیده است. این کتاب مجموعه‌ی اشعاری است که ذیل ۷ موضوع برگرفته از کتاب

## طبیعت و گل و گیاه و رنگها

در شعرهای «رنگین کمون»، «گل‌های رنگارنگ» و «هدیه‌ی قشنگ»، رنگ‌هایی که در طبیعت وجود دارند، دست‌مایه‌ی سرودن می‌شوند. در شعر «رنگین کمون» به رنگ‌ها جان بخشیده می‌شود، رنگ‌های رنگین کمان دست همدیگر را می‌گیرند و می‌دوند. با حرکت آن‌ها روی آسمان، رنگین کمان ساخته می‌شود:

زرد زرتک و زیبا/ کنار قرمز اومد  
نبلی هم از راه رسید/ نارنجی رو صدا زد  
دنبال هم دویدند/ بنفش و سبز و آبی  
ابرا شدند فراری/ هوا شد آفتابی  
دست همو گرفتند/ دویدن و دویدن  
با هم یه رنگین کمون/ برای من کشیدن  
(ص ۵)

به این ترتیب کودک با زبانی شاعرانه و تخیلی ساده که حاصل استفاده از آرایه‌ی تشخیص است، هفت رنگ رنگین کمان را می‌شناسد.

حرکت رنگ‌ها و دنبال هم دویدن‌شان به بازی‌های کودکانه شبیه است و تصویری که در ذهن او نقش می‌بندد، متناسب با دنیای اوست. در «هدیه‌ی قشنگ»، این بار رنگ‌ها دنبال هم می‌دوند و به مداد رنگی تبدیل می‌شوند تا گل‌های رنگارنگی را توی دفتر نقاشی کنند.

قرمز و زرد و آبی/ دنبال هم دویدند  
مداد رنگی شدند/ به دفترم رسیدند  
برای من کشیدند/ گل‌های رنگارنگی  
مامان جونم دید و گفت:/ چه هدیه‌ی قشنگی  
(ص ۱۳)

در شعر «گل‌های رنگارنگ»، شاعر به دنبال ردپای رنگ‌ها به گل‌های توی طبیعت می‌رسد:

یک گل این‌جا/ یک گل آن‌جا  
هر یک دارند/ رنگی زیبا  
ما گل‌هایی/ رنگارنگیم  
همه خوش‌بویم/ همه قشنگیم

اما در این اثر، شاعرانگی و تخیل کم‌رنگ می‌شود. «زیبایی» تنها در لفظ باقی می‌ماند و شاعر برای به تصویر کشیدن این زیبایی تلاشی نمی‌کند و نگاه تازه‌ای به گل‌ها ندارد. از این دست اشعار در حوزه‌ی شعر کودک فراوان است. این شعر را مقایسه می‌کنیم با شعر دیگری از آقای شعبانی که با موضوع گل و طبیعت سروده شده است، اما نگاهی جدید و متناسب با ذوق کودک دارد:

باد بهاری وزید/ به باغچه مژده آورد  
تمام دانه‌ها را/ یکی یکی خبر کرد  
فوری جوانه کردند/ دانه به دانه گل‌ها  
رنگ و وارنگ آمدند/ به سوی باغچه‌ی ما  
از همه‌شان جلوتر/ بنفشه بالا پرید

به آفتاب طلایی/ سلامی کرد و خندید  
زنبق و یاس و لاله/ دنبال هم رسیدند  
بنفشه را شاد/ در دل باغچه دیدند  
بنفشه شد برنده/ میان گل‌های ما  
برای او کف زدند/ تمام شاپرک‌ها  
(خرمن شعر خردسالان- ص ۲۰۰)  
«من و اندام من»، «خانواده»

تعدادی از اشعار کتاب، توجه کودک را به وجود خود یا اطرافیانش معطوف می‌سازند. گاهی اعضای بدن او موضوع آموزشی شعر هستند و گاهی سخن از اعضای خانواده‌ی اوست.



حس مالکیت و تفاخر نسبت به داشته‌ها در سنین خردسالی، به شدت با کودک همراه است. او چیزهایی دارد که آن‌ها را متعلق به خود می‌داند. اسباب‌بازی‌هایش، عروسکش، پدرش، مادرش، پدربزرگ و مادربزرگش و... کودکان در گفت‌وگو با همسالان‌شان از این داشته‌ها سخن می‌گویند، طوری که گفت‌وگو درباره‌ی تعلقات، احساس خوشایندی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. شعبانی با در نظر گرفتن این ویژگی در اشعار «مال منه»، «خال من»، «عصای دست» و

«سینه‌ریز»، حس مالکیت را با مفاخره‌ای کودکانه می‌آمیزد و در این میان آموزش‌های غیر مستقیمی نیز شکل می‌گیرد: دو چشم دارم / مثل هر شمع روشن / مال منه دو گوش دارم / کارش چیه؟ شنیدنه / مال منه دو دست دارم / محکمه مثل آهنه / مال منه دو پا دارم / کارش چیه؟ دویدنه / مال منه این مفاخره‌ی کودکانه به شرح محاسن کودک از زبان خودش می‌پردازد. تکرار مصراع «مال منه» و استفاده از ضمیر اول شخص در جهت تأمین حس مالکیت قابل توجه است.

این خال کوچک / خیلی خوشحاله چون همه اول / اونو می‌بینن می‌گن که اینه: / نشونه‌ی من

شاعر نه تنها روایت را از زبان اول شخص بیان می‌کند، بلکه کاملاً هنرمندانه، برای آن که چند قدم دیگر از وادی مستقیم‌گویی دور شود، ترجیح می‌دهد به جای خوشحال نشان دادن کودک، خال روی صورت او را خوشحال نشان بدهد تا بر تأثیر شعرش بیفزاید. این شعر در عین کوتاهی، پیام آموزشی خود را به خوبی منتقل می‌کند.

### «جشن و مناسبت»

یکی از علایق دوران کودکی «جشن تولد» است. او علاوه بر این که از طریق جشن تولد گرفتن در میان همسالانش به احساس مهم بودن دست پیدا می‌کند، هدایایی را دریافت خواهد کرد که از این پس جزء دارایی‌هایش به حساب خواهد آمد. شاعر در شعر کوتاه جشن تولد به این علاقه‌مندی می‌پردازد:

سال گذشته وقتی / جشن تولدم شد خرسک مخملی‌پوش / عروسک خودم شد دوباره جشن تازه / دوباره شمع روشن جشن تولد کیست؟ / من یا عروسک من ضمناً او یاد می‌گیرد که لحظات خاصی در زندگی هستند که شادی‌آورند و جشن محسوب می‌شوند. گاهی انگشت اشاره‌ی شاعر از «من» کودک برداشته می‌شود و دیگران را نشان می‌دهد: کسانی که با او در ارتباط هستند و به شکل دیگری جزء متعلقات کودک به حساب می‌آیند. به این ترتیب، او به صورتی غیر مستقیم بخشش، هدیه دادن و محبت کردن را به اعضای خانواده می‌آموزد تا در کنار اشعاری که به ارضای حس مالکیت می‌پردازند، بتواند در مواردی از خودخواهی دور شود:

چند تا گل رنگارنگ / می‌چینم از تو صحرا با نخ از آن می‌سازم / یه سینه‌ریز زیبا می‌برم و می‌دهم / به مادر عزیزم می‌کند او تشکر / از من و سینه‌ریزم

(شعر سینه‌ریز - ص ۱۶)

پدربزرگ پیرم / مادربزرگ پیرم وقتی می‌ریم به کوچه / دستاشونو می‌گیرم هر دو صدام می‌زنند / همش می‌گن کجایی؟ تو خونه و تو کوچه / عصای دست مایی (عصای دست - ص ۱۸)

### «میهن ما، ایران»

شعر «کوه دنا» با توصیف زیبایی‌های کوه شروع می‌شود:

دنا دنا چه کوهی / چه کوه باشکوهی محکم و سفت و سختی / پُر از گل و درختی

...



گاهی کودکان، خود را با همسالان‌شان مقایسه می‌کنند و محاسن آن‌ها بیشتر به نظر می‌رسد تا محاسن خودشان. مثلاً دوست دارند عروسکی به بزرگی عروسک دوست خود داشته باشند و یا موهای‌شان مثل بقیه صاف باشد نه فرفری و... این احساس ممکن است آن‌ها را اذیت کند و گاهی پیش می‌آید که از داشته‌ها و یا نداشته‌های خود شکایت می‌کنند. در شعر «خال من»، به صورت غیر مستقیم به کودک آموزش داده می‌شود که خال روی صورت می‌تواند زیبا و دوست داشتنی باشد به شرط این که بتوانیم به شکل خوبی به آن نگاه کنیم:

تو صورت من / یه دونه خاله

ایل داری و کوچ داری / گله داری، قوچ داری

(کوه دنا، ص ۲۰)

پس از این اوصاف، در بیت آخر دوباره به ردیابی از مالکیت می‌رسیم؛ اما این بار نه مالکیت شخصی، بلکه حس مالکیت ملی!

ساده و با صفایی / کوه قشنگ مایی

کودک، کوه به این زیبایی را متعلق به همه می‌داند. در این شعر و شعر بعدی «من» به «ما» تبدیل شده است و به نظر می‌رسد این اتفاق در مجموعه کاملاً آگاهانه بوده است:

یه خونه ساخته‌ایم ما / کوچیکه اما زیبا

پنجره و در داره / مرغ و کبوتر داره

(ص ۲۲)

در این شعر در جهت آموزش «مکان‌ها»، خانه‌ای توصیف می‌شود. خانه‌ای زیبا که چیزهای توی آن یکی یکی شمرده می‌شوند:

اتاق و ایون داره / گل توی گلدون داره

درخت انگور داره / وزوز زنبور داره

اما در پایان کودک را غافلگیر می‌کند و با آوردن بیت «یه حوض داره کاشیه / حیف که تو نقاشیه»، معلوم می‌شود این خانه، نقاشی شده است و تخیل لطیفی که شکل می‌گیرد بر زیبایی آن می‌افزاید.

**سرردرگمی مخاطب کودک و...**

### ۱ - غلط چاپی

پاره‌ای از ابیات به علت عدم توجه شاعر و یا ناشر، از نظر

معنایی برای مخاطب کودک رسا نیستند:

زردرنگ و زیبا / کنار قرمز اومد

نیلی هم از راه رسید / نارنجی رو صدا زد

در بند بالا، همه‌ی رنگ‌ها در نقش فاعل هستند و به آن‌ها شخصیت داده شده است. اما در مصراع نخست نقش «زرد» معلوم نیست. به نظر می‌رسد «زردرنگ و زیبا» وابسته به فاعلی است که حضور ندارد که اگر این‌طور باشد با مصراع‌های دیگر مطابقت نمی‌کند. چرا که همان‌طوری که گفته شد، در مصراع‌های دیگر، رنگ‌ها خود «فاعل» هستند.

با مراجعه به کتاب «خرمن شعر خردسالان» دریافتیم که اصل شعر چیز دیگری بوده است و در کتاب «من یا عروسکِ من»، حرف «ز» از قلم افتاده است:

زردرنگ و زیبا / کنار قرمز اومد

(خرمن شعر خردسالان - ص ۲۵۹)

در این حالت شعر روان است و وزن درستی دارد. شایسته نیست در کتاب، مخصوصاً کتابی که برای کودکان نوشته می‌شود، غلط چاپی به چشم بخورد:

اتاق و ایون داره / گل توی گلدون داره (ص ۲۲)

در بیت بالا «ایوون» به اشتباه «ایون» نوشته شده است که کودک و یا حتی والدین را در هنگام خواندن دچار اشتباه می‌کند.

## ۲ - ضعف تألیف

گاهی ضرورت رعایت وزن، شاعر را در تنگنا قرار می‌دهد و او برای رعایت وزن ناچار می‌شود دست به دامن ترکیبی اشتباه شود؛ در بند زیر به جای استفاده از خرسک مخمل‌پوش و یا خرسک مخملی، به «خرسک مخملی‌پوش» برمی‌خوریم:

سال گذشته وقتی / جشن تولدم شد

خرسک مخملی‌پوش / عروسک خودم شد (ص ۱۰)

## ۳ - دورکننده‌ها



کلمات بیگانه با دنیای کودک، استفاده از معانی کنایی و مفاهیم بزرگسالانه، بین کودک و شعر کودک، دافعه ایجاد می‌کنند و شکاف به وجود آمده از میزان تأثیرگذاری شعر می‌کاهد.

در شعر «کوه دنا» پس از توصیف‌هایی که از کوه دنا می‌شنویم، با بیت «ساده و باصفایی / کوه قشنگ مایی»، شعر به پایان می‌رسد. اما آیا واقعاً درک صفت «ساده بودن»، آن هم برای «کوه» و «شکوه» بر بار موسیقایی شعر می‌افزاید، اما صفت باشکوه بودن در محدوده‌ی اوصاف متعلق به دوره‌ی کودک نمی‌گنجد. ناز بودن، زیبا بودن و... می‌توانند با موصوف‌های برگرفته از دنیای کودک همراه شوند، اما

«باشکوه» این ویژگی را ندارد:  
دنا دنا چه کوهی / چه کوه باشکوهی

(ص ۲۰)

«گردن‌بند» واژه‌ی ملموس‌تری برای مخاطب کودک نسبت به «سینه‌ریز» است. در شعر زیر، شاعر واژه‌ای را به کار می‌برد که به گوش مخاطبش آشنا نیست و قرابتی با دنیای کودکان ندارد:

چند تا گل رنگارنگ / می‌چینم از تو صحرا  
با نخ از آن می‌سازم / یه سینه‌ریز زیبا

شکر می‌کنم، شکر خدا (ص ۹)

#### ۴ - عدم یکدستی زبان

اسدا... شعبانی در «خرمن شعر خردسالان» می‌گوید: «بیشتر شعرهایی که برای خردسالان سروده می‌شود، از زبان گفتار برخوردار است تا زبان معیار، کودکان خردسال از راه زبان مادری به تکلم می‌رسند و این مادران هستند که نخستین شعرها و قصه‌ها را برای بچه‌ها می‌خوانند. طبیعی است شعرهای ویژه‌ی خردسالان با همه‌ی کاستی‌هایی که به زبان گفتار وارد است، با این زبان ساخته و پرداخته می‌شود.»<sup>۱</sup>

بیشتر اشعار این مجموعه نیز به زبان گفتار سروده شده‌اند، اما در برخی از ابیات، شاعر زبان را می‌شکند و دوباره به زبان معیار بازمی‌گردد. رعایت نکردن یکدستی زبان، به روانی آن هنگام خواندن لطمه می‌زند و بهتر است یکی از دو زبان «شکسته» و یا «معیار» برای مخاطب گروه سنی «الف و ب» انتخاب شود و به گفته‌ی آقای شعبانی زبان گفتار تناسب بیشتری با زبان خردسالان دارد. به نمونه‌هایی از عدم یکدستی زبان اشاره می‌کنیم:

دنبال هم دویدند / بنفش و سبز و آبی

ابرا شدند فراری / هوا شد آفتابی

دست همو گرفتن / دویدن و دویدن

با هم یه رنگین‌کمون / برای من کشیدن

هر دو صدام می‌زنند / همش می‌گن کجایی؟

تو خونه و تو کوچه / عصای دست مایی

چند تا گل رنگارنگ / می‌چینم از تو صحرا

با نخ از آن می‌سازم / یه سینه‌ریز زیبا

#### ۵ - دایره‌ی تکرارها

ظاهراً در میان بسیاری از شاعران، استفاده از اشعاری که قبلاً سروده شده‌اند، در مجموعه‌های جدید، کاری معمول و همیشگی شده است. این کار زیبا و پسندیده نیست و جای بسی شگفتی دارد که در مجموعه‌ی «من یا عروسک من»، هر ۱۰ شعر کتاب برگرفته از کتاب «خرمن شعر خردسالان» است.

اگرچه «خرمن شعر خردسالان» همان‌طور که در مقدمه‌ی کتاب آمده است به عنوان کتاب کار مریبان پیش‌دبستانی و خانواده‌ها سروده شده است و این احتمال وجود دارد که تاکنون تمامی اشعار برگرفته از کتاب در مجموعه‌ی مستقلی برای خردسالان استفاده نشده باشد، اما به هر حال نمی‌توان «من یا عروسک من» را به عنوان کاری جدید تلقی کرد، اگرچه چاپش یک سال بعد از چاپ «خرمن شعر خردسالان» باشد.

پی‌نوشت:

۱ - شعبانی، اسدا...: خرمن شعر خردسالان. ص ۲۹

۲ - همان، ص ۳۷

۳ - همان، ص ۳۷



می‌برم و می‌دهم / به مادر عزیزم

می‌کند او تشکر / از من و سینه‌ریزم

(ص ۱۶)

«تشکر از خدا» چیزی نیست که از دنیای کودکان دور باشد. او حتی می‌تواند با تقلید از اطرافیان یاد بگیرد که دست‌هایش را روبه‌روی صورتش بگیرد و خدا را شکر کند، اما درک این معنا که می‌توان خدا را با همه‌ی وجود شکر کرد - با دست و پا و چشم و گوش - برایش سخت است:

با چشم و گوش

با دست و پا، در همه جا